

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

چالش‌های مفهوم «استقلال»

به عنوان یکی از منابع هویتی - فرهنگی ایرانیان

وحید اسدزاده^۱

شهاب دلیلی^۲

چکیده

نگاهی گذرا به تاریخ ایران نشان می‌دهد که مفهوم استقلال در برهه‌های مختلف تاریخی و با تفاسیر مختلف (گاه متمرکز بر وجه سرزمینی/حاکمیتی و گاه فرهنگی) به دلیل موقعیت ژئوپلتیک ایران مورد تعرض قرار می‌گیرد. اهمیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک سبب گردیده تا تمایل به نفوذ فرهنگی و نبود حاکمیت مستقل در ایران از سوی ایشان پی‌گیری گردد. در واقع حضور پر رنگ بیگانگان از زمان قاجاریه باعث تبدیل این نکته به یکی از محورهای اصلی اندیشه سیاسی و گفتمان فرهنگی ایرانی شد. به همین دلیل در انقلاب اسلامی مفهوم «استقلال» در کنار «آزادی و جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی» در عرصه سیاست خارجی، به شکلی تمام‌عیار به منصفی ظهور رسید. حتی با وجود مشکلات فراوان در جنگ تحمیلی، چاره حل مشکلات در زیر سؤال رفتن این آرمان جستجو نشد. اما با تغییر شرایط پس از جنگ و نیاز به سازندگی کشور پس از ۱۳۶۸ از یک طرف، و از طرفی جریانی که از آن تحت عنوان «جهانی‌شدن» نام برده می‌شود، شرایطی به وجود آمد که مفهوم استقلال را با چالش‌های جدی مواجه ساخت. روند سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از ۱۳۶۸ را به تعبیری می‌توان فراز و فرود نحوه‌ی مواجهه با این چالش دانست. مسئله اینجاست که چگونه استقلال کشور را که خواسته‌ای تاریخی و آرمانی غیرقابل مذاکره است حفظ کرد اما به حفظ و

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
vahid.asadzadeh.uni@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی و پژوهشگر مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران‌مهر (نویسنده مسئول)
shahabdalili@yahoo.com

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

گسترش مناسبات بین‌المللی که لازمه‌ی توسعه و پیشرفت است پرداخت؟ برای پاسخ به این پرسش در این مقاله ابتدا نگاهی نظری به مفهوم استقلال و عوامل مقوم آن خواهد شد و سپس مفهوم استقلال را در سه حوزه‌ی فرهنگ، سیاست و اقتصاد مورد بررسی قرار می‌دهیم. آنچه به طور خلاصه می‌توان فرضیه‌ی این مقاله دانست این است که عمده چالش اصلی برای حصول استقلال در ایران در عصر جهانی شدن نه در حوزه‌ی فرهنگی و سیاسی بلکه در حوزه‌ی اقتصادی است.

واژه‌های کلیدی: استقلال، جهانی‌شدن اقتصادی، جهانی‌شدن فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، پیشرفت.

۱. مقدمه و بیان مسئله

با تشکیل واحدهای ملی در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی حفظ حاکمیت ملی به هدف اصلی دولت‌های ملی تبدیل گشت. دولت‌های در حال توسعه نیز متأثر از تحولات اروپا و به دلیل خطری که استقلال این کشورها را تهدید می‌کرد، سعی نمودند با تأسیس واحدهای ملی، حاکمیت خود را بازیافته و سرنوشت جوامع خود را بدون دخالت بیگانگان رقم بزنند. استقلال‌خواهی کشورهای جهان سوم جنبه‌های مختلفی داشت که شامل ابعاد فکری، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بود و غالباً معلول شرایط خاص بعد از دوران جنگ جهانی دوم بود (رنجبر، ۱۳۸۴، ۱۲۹).

به طور کلی بررسی مسأله استقلال یکی از موضوعات چالش‌برانگیز بوده است. استقلال برای هر ملتی واژه مقدسی به شمار می‌رود و این خواسته جز ایتار، جان‌فشانی و از خودگذشتگی به دست نمی‌آید. هیچ ملتی نمی‌تواند آرمان، چشم‌انداز و اهداف غایی خود را به دست آورد مگر با رها شدن از قید و بندهای وابستگی. در شور و هیجان هر انقلابی کسب استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... کمال مطلوب انقلابیون است و بر همین اساس برای کسب استقلال همه جانبه از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد (طاهری، ۱۳۸۹، ۵۴).

نگاهی گذرا به تاریخ ایران نشان می‌دهد که مفهوم استقلال در برهه‌های مختلف تاریخی و با تفاسیر مختلف (گاه متمرکز بر وجه سرزمینی/حاکمیتی و گاه فرهنگی)

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

همواره حضوری پررنگ داشته است. موقعیت ژئوپلیتیک ایران باعث شده است تا هر دو وجه یاد شده‌ی استقلال (یعنی وجوه سیاسی و فرهنگی) مورد تعرض قرار بگیرد. می‌توان عنوان کرد که در این وضعیت وجه دوم تابعی از وجه اول است. یعنی ابتدا این اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران بوده که بیگانگان را به آن متمایل کرده و تمایل به نفوذ فرهنگی در راستای منافی بوده که از نبود حاکمیت مستقل در ایران به دست می‌آوردند. این نکته به خصوص پس از شروع سلسله‌ی قاجاریه در ایران مشهود است.

این امر به نوبه‌ی خود باعث شد تا مفهوم استقلال به یکی از آرمان‌های سیاسی ایرانیان تبدیل شود. گرچه استقلال‌طلبی ایرانیان را می‌توان از ایران باستان و سلسله‌ی ساسانی تا صفاریان و سامانیان و صفویه دنبال کرد اما در واقع حضور پُر رنگ بیگانگان از زمان قاجاریه باعث تبدیل آن به یکی از محورهای اصلی اندیشه‌ی سیاسی و گفتمان فرهنگی ایرانی شد.

اما در دوره‌ی معاصر، انقلاب مشروطه را می‌توان عرصه‌ی اولین ظهور این مفهوم به صورت یک خواست معین سیاسی/فرهنگی پس از مواجهه‌ی ایرانیان با مدرنیته دانست اما جنگ جهانی اول و برخی عوامل دیگر که به نوعی باعث شکست مشروطه شد نتوانست این خواسته را برآورده کند. یکی از عواملی که باعث اجماع نخبگان فکری ایران برای سلطنت رضاشاه (قبل از روی کار آمدن و در سال‌های اولیه‌ی سلطنتش) شد در واقع نیاز به برآورده کردن این خواسته‌ی تاریخی یعنی استقلال بود. نخبگان فکری به این نتیجه رسیدند که تنها راه رسیدن به استقلال (و البته خواسته‌های دیگری همچون پیشرفت و توسعه) به وجود آمدن یک دولت مطلقه‌ی تمام عیار است و رضاشاه را گزینه‌ی مناسبی برای آن دیدند. نگاهی گذرا به مطبوعات مهم در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۵ از جمله نشریاتی هم‌چون کاوه و ایرانشهر می‌تواند شاهده‌ی بر این امر باشد. اما روند استبدادی حکومت رضاشاه چنان شدت گرفت که طعم استقلال نسبی به وجود آمده به زودی فراموش شد. چنانچه در شهریور ۱۳۲۰ دولت او فاقد هرگونه پشتیبانی اجتماعی و سیاسی

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

بود. استقلال ایران در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ به دلیل حضور متفقین در ایران به محاق رفت. پس از خارج شدن شوروی در ایران و بازگشت نسبی استقلال به کشور، در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بار دیگر شاهد به محاق رفتن استقلال کشور این بار به شکلی بی‌سابقه و تقریباً تمام عیار بودیم. نمود دولت محمدرضاشاه چنان بود که در ساحت فکری ایرانیان آن را به یک دولت وابسته‌ی تمام عیار تبدیل کرد. به همین دلیل در انقلاب اسلامی مفهوم استقلال در کنار آزادی و جمهوری اسلامی ظهوری تاریخی یافت. با انقلاب اسلامی و شعار «نه شرقی، نه غربی» در عرصه‌ی سیاست خارجی، مفهوم استقلال به شکلی تمام عیار به منصفی ظهور رسید. حتی با وجود مشکلات فراوانی که در جنگ تحمیلی به وجود آمد، چاره‌ی حل مشکلات در زیر سؤال رفتن این آرمان جستجو نشد. اما با تغییر شرایط پس از جنگ و نیاز به سازندگی کشور پس از ۱۳۶۸ از یک طرف، و از طرفی جریانی که از آن تحت عنوان «جهانی‌شدن» نام برده می‌شود، شرایطی به وجود آمد که مفهوم استقلال را با چالش‌های جدی مواجهه ساخت. روند سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از ۶۸ را به تعبیری می‌توان فراز و فرود نحوه‌ی مواجهه با این چالش دانست. مسئله اینجاست که چگونه استقلال کشور را که خواسته‌ای تاریخی و آرمانی غیرقابل مذاکره است حفظ کرد اما به حفظ و گسترش مناسبات بین‌المللی (که در بسیاری موارد حفظ استقلال را به چالش می‌گیرد؛ در این خصوص بنگرید به امینی، ۱۳۶۷، ۱۱۹) که لازمه‌ی پیشرفت است پرداخت.

در این مقاله مجال آن نیست که به همه‌ی موارد بالا به طور مفصل پرداخته شود. سؤال اصلی این مقاله در عنوان مقاله نیز مشخص شده است: «چالش‌های پیش‌روی مفهوم استقلال به عنوان یکی از منابع و ارکان هویتی - فرهنگی ایران چیست؟» برای پاسخ به این پرسش در این مقاله ابتدا نگاهی نظری به مفهوم استقلال و عوامل مقوم آن خواهد شد و سپس مفهوم استقلال را در سه حوزه‌ی فرهنگ، سیاست و اقتصاد مورد بررسی قرار می‌دهیم. بعد از آن به جستجوی دلایل نقض استقلال ایرانیان در تاریخ معاصر و تلاش ایرانیان برای حصول آن در این دوره اشاره

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

خواهد شد. آنچه به طور خلاصه می‌توان فرضیه‌ی این مقاله دانست این است که عمده چالش اصلی برای حصول استقلال در ایران در عصر جهانی شدن نه در حوزه فرهنگی و سیاسی بلکه در حوزه‌ی اقتصادی است. این بحث نیاز به واکاوی بیشتر دارد که هدف اصلی از نوشتن این مقاله همان است.

۲) مفهوم استقلال

استقلال در مقابل وابستگی قرار دارد. این کلمه به لحاظ لغوی از باب استفعال و با واژه‌هایی چون قلیل، قلت و تقلیل مرتبط بوده و به معنای کم کردن و به حداقل رساندن می‌باشد. ملت استقلال طلب می‌خواهد وابستگی‌ها را تحلیل دهد و اتکای به دیگران را به حداقل برساند (منصوری، ۱۳۷۴، ۵۴).

با توجه به این معنی لغوی می‌توان یک تعریف مفهومی از استقلال را ارائه داد: استقلال عبارت است از «داشتن قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری همراه با اعمال این تصمیم‌ها و سیاست‌ها در حیطه حاکمیت» (آقابخشی، ۱۳۸۴، ۲۷۷). اگر این تعریف را تجزیه کنیم، سه عنصر «قدرت تصمیم‌گیری»، «قدرت اعمال تصمیم‌گرفته شده» و «قلمرو اعمال تصمیم‌گرفته شده یا همان حاکمیت» قابل بازیافت هستند. بر این اساس چنانچه ملتی بتواند بدون تأثیرپذیری از محیط خارجی اعم از منطقه‌ای و نیروهای اثرگذار بین‌المللی چون قدرت‌های بزرگ، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی (مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) و شرکت‌های چندملیتی برای خود برنامه‌های کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تدوین کند، آن را ملت مستقل می‌نامند. اگر بخواهیم تعریف دیگری از مفهوم استقلال ارائه کنیم، باید موارد ذیل را در آن لحاظ نماییم: «جدا نمودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه و اقتدار خارجی»؛ «وضع هر تجمع بشری که دستگاه و ارکان آن به نسبت دستگاه و ارکان تجمع بشری دیگر در حال اطاعت و پیروی واقع نشده باشد» و «حقی که به موجب آن، هر کشور در سیاست داخلی یا خارجی خود آزاد است».

بر این اساس استقلال دو جنبه دارد. «استقلال خارجی» یعنی؛ آزادی عمل در برقراری روابط با سایر کشورها و در مسائل خارجی به طور کلی. «استقلال داخلی»

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

یعنی؛ آزادی عمل در چارچوب سرحدات کشوری. در نتیجه استقلال داخلی، کشور می‌تواند هر نوع قانون اساسی که مایل باشد، تصویب کند و تشکیل اداری خویش را به میل خود برقرار نموده و هر نوع قانونی را بخواهد، وضع کند (تقی‌زاده‌انصاری، ۱۳۷۹، ۹۱-۹۰).

به طور کلی استقلال دارای جنبه‌های مختلف «حقوقی»، «سیاسی»، «اقتصادی» و «فرهنگی» می‌باشد. وجوه گوناگون استقلال بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. بدون تحقق شکل حقوقی حاکمیت ملی نمی‌توان انتظار استقلال سیاسی داشت و بدون توجه به استقلال سیاسی نیز هویت فرهنگی مستقل محقق نمی‌شود (هاشمی، ۱۳۷۵، ۲۰۳). البته در این مطلب شکی وجود ندارد که استقلال فرهنگی هم می‌تواند به حفظ فرهنگ و هویت ملی از تهاجم بیگانه یاری رساند.

مفهوم استقلال همچنین در ارتباط با مفهوم حاکمیت ملی دارای دو وجه دورنی و بیرونی می‌باشد که وجه بیرونی آن در مفهوم استقلال متبلور شده است. همچنین بین دو وجه مزبور از حاکمیت ملی ارتباط دقیقی وجود دارد. ابعاد مختلف استقلال را هم تعریف کرد. استقلال سیاسی به مفهوم مستقل بودن هیأت حاکمه یک کشور از نفوذ دولت‌های بیگانه و تصمیم‌گیری مستقل ملی می‌باشد (رنجبر، ۱۳۸۴، ۱۲۹).

۳) عوامل مقوم استقلال

۳-۱) ساختار اعتقادی - فرهنگی: ملتهایی که از نظام اعتقادی قوی برخوردارند پیروانشان به آن فرهنگ عشق ورزیده، تعصب نشان می‌دهند، حتی اگر از نظر نظامی مغلوب شوند ولی از نظر فرهنگی - فکری غالب خواهند بود. با این همه اگر تحولات ارتباطی دهه‌های آخر قرن بیستم مد نظر قرار گیرد، به خوبی درمی‌یابیم که هیچ واحد سیاسی در جهان معاصر، نظام اعتقادی یکسانی ندارد. از آنجا که اعتقادات افراد و گروه‌ها عموماً متفاوت است بنابراین اشتراک اعتقاد به معنی دقیق کلمه به صورت مطلق وجود ندارد تا بتواند عامل اساسی وحدت و استقلال گردد، مگر در شرایط خاصی که فشارهای خارجی در محیطی متخاصم،

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

این وجه عقیدتی را متمرکز، متبلور و محوری سازد. در واقع شریک بودن در خیر و شرّ یک گروه در یک سرزمین، عامل اصلی وابستگی و استقلال است.

۲-۳) نخبگان سیاسی: هر چند نظریه «کارلایل» که قهرمانان را سازنده تاریخ معرفی می‌کند با توجه به عدم پذیرش علت واحد در فلسفه علوم اجتماعی از خاصیت مطلق برخوردار نیست، ولی بخش مهمی از تحولات تاریخ معلول اندیشه و عملکرد سرآمدان، رهبران و برجستگان هر قوم و ملت است، برجستگانی که خود محصول پویای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه خود هستند

۳-۳) ساختار آموزشی و پرورشی: سرآمدان، محصول اجتماعی هستند که در آن زندگی می‌کنند. یکی از ابعاد اجتماع، محیط علمی- آموزشی است که افراد اجتماع در آن به سر می‌برند. اگر در حین تکوین مرحله جامعه‌پذیری سیاسی و اجتماعی قهرمانان و حماسه‌های ملی؛ شادی‌ها و شکسته‌ای خودی، برتری‌های فرهنگ خودی و معایب گرایش به فرهنگ بیگانه، عشق به میهن و میهن‌دوستی، ضرورت فداکاری در راه آن، در خانواده، مدرسه و دانشگاه و در نهایت در شخصیت شهروندان نهادینه شود، نتیجه‌اش تولید انسان‌هایی با اذهان و افکار ملی مستقل خواهد بود (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۹، ۹۵).

۴-۳) وضعیت جغرافیایی: اگر بر روی نظریه جامعه‌شناسان محیط‌گرا و جغرافیادانان جبراندیش که افکار و رفتار و کنش‌های انسانی را صرفاً تابع عوامل جغرافیایی مانند آب و هوا، سردی و گرمی می‌دانند قدری گرد نسبیت بیفشانیم، هم حقانیت علمی و علمیت آنرا افزایش داده‌ایم و هم واقع‌گرایانه با جغرافیا و اثر آن بر استقلال و عرصه سیاست برخورد خواهیم کرد. محیط جغرافیایی، هم مزیت‌آفرین و هم مشکل‌آفرین است. استقلال برخی از کشورها مرهون موقعیت جغرافیایی آنهاست. از سوی دیگر، انزوای جغرافیایی برخی سرزمین‌ها و دوری آنها از مناطق استراتژیک جهان کمک مهمی به استقلال آنها در پویای تاریخ کرد (پیشین، ۹۷).

۵-۳) منابع خدادادی و توانمندی صنعتی: قدرت صنعتی یعنی؛ توانایی یک کشور در تبدیل مواد خام به کالاهای مصرفی، واسطه‌ای، سرمایه‌ای همراه با منابع

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

طبیعی یعنی ذخایر زیرزمینی، جنگل‌ها، دریاها، رودخانه‌های قابل کشتیرانی که با هم از عوامل استقلال محسوب می‌گردند. هیچ یک به تنهایی کافی نیستند و هر دو مکمل همدیگر هستند. بسیاری از کشورهای جهان سوم دارای منابع زیرزمینی ذی-قیمتی هستند، ولی دانش فنی بارورسازی آن‌ها را ندارند، چون به عمل‌آوری آن به شدت نیاز دارند یا حتی به استخراج و صدور آن برای کسب درآمد ارزی سخت محتاج هستند؛ لذا دست نیاز به سوی کشورهای صاحب دانش فن دراز می‌کنند و آن‌ها نیز بدون گرفتن امتیاز سیاسی و نظامی حاضر انتقال آن دانش فنی نخواهند بوده اینجاست که حلقه‌های وابستگی به گردن اقتصاد و در نتیجه سیاست جهان سوم افکنده می‌شود.

۳-۶) توان نظامی: قدرت نظامی به عنوان عامل استقلال، تابعی از سایر توانایی‌هاست. این توانایی‌ها شامل؛ رهبری نظامی، قدرت اقتصادی، اجماع نظر نخبگان سیاسی و نظامی است. همچنین قدرت نظامی، سخت به عامل جمعیت وابسته است، به ویژه برای کشورهای جهان سوم که به دانش فنی اسلحه‌سازی عالی دسترسی ندارند، زیرا جمعیت زیاد امکان افزایش نفرت زیر پرچم را به هنگام ضرورت، افزایش می‌دهد. ارتش سرخ شوروی عاملی بود که بعد از یک عقب‌نشینی محاسبه شده و تاکتیکی توانست آلمان نازی را از خاک خود خارج کرده و استقلال و تمامیت ارضی روسیه شوروی را تثبیت کند. نتیجه آنکه علی‌رغم اندیشه سپری شدن عصر عنصر قدرت نظامی، هنوز سلاح‌های تاکتیکی و نیروهای سنتی اهمیت دارند. شکست امریکا از ویتنام مؤید نقش قوای مسلح در حفظ استقلال است (تقی-زاده‌انصاری، ۱۳۷۹، ۱۰۰). از عوامل یاد شده نظام اعتقادی و فرهنگی و نظام آموزش و پرورش به استقلال در حوزه‌ی فرهنگ و سایر عوامل به استقلال در حوزه-ی سیاست مربوط می‌شود.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۴) عرصه‌های مختلف استقلال

۴-۱) استقلال فرهنگی: همانگونه که اشاره شد یکی از اصلی‌ترین مطالبات مردم در انقلاب اسلامی استقلال بود. این خواسته با پیروزی انقلاب نمودهای خود را در حوزه‌ی فرهنگ به طرق مختلفی نشان داد.

اداره جامعه بر اساس دین و ارزش‌های اصیل آن، افزایش سطح آگاهی و مشارکت مردم در فعالیت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، تغییر الگوهای رفتاری مردم با جهت‌گیری خصلت‌های اخلاقی و انسانی، الهام‌گیری نیروهای مردمی و اجتماعی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تأسیس سازمان‌های مذهبی و مبارز، اهمیت یافتن موضوع دین برای جوامع مسلمان، تقاضا برای اجرای شریعت اسلامی، احترام نهادن به احکام و شعائر مذهبی، بیداری اسلامی، ترویج ایده مبارزه با اسرائیل، وحدت شیعه و سنی، مبارزه به عنوان راه‌حل مسائل جهان اسلام، ایجاد جامعه اسلامی، اهمیت جایگاه مساجد و ترویج پوشش اسلامی از جمله تحولاتی است که با شکل‌گیری انقلاب اسلامی پدید آمد (برزگر، ۱۳۸۲، ۶۲).

فرامرز رفیع‌پور در کتاب «توسعه و تضاد»، این تغییرات را این‌گونه تشریح می‌نماید: «در شرایط بعد از انقلاب تغییر ارزش‌ها نسبتاً سریع، تدریجی بود؛ قیافه‌های ظاهری بدون دستور و زور از بالا به صورت درونی به تدریج تغییر یافت. خانم‌های بی‌حجاب ابتدا با همان لباس‌های متوسط و معمول، یک روسری به سر کشیدند، سپس روسری‌ها بزرگ‌تر و لباس‌ها گشادتر و تیره‌تر شد. انگشترهای طلای آقایان با نقره و عقیق جایگزین و کت و شلوارهای شیک به اورکت سربازی تبدیل شدند. مسابقات ارزشی شروع شده بود. افرادی که تا آن موقع نماز نمی‌خواندند، مهر و سجاده و تسبیحشان را به نمایش می‌گذاشتند. وسایل منازل نیز تغییر کرد، مبل‌ها و صندلی‌ها به پستی‌ها تبدیل شد، عکس‌های امام و ائمه بر دیوار و مجموعه تفسیر «المیزان» در کتابخانه‌ها به چشم می‌خوردند. اما تحول ارزش‌ها بسیار عمیق‌تر از این تغییرات ظاهری بود. جلسات قرآن معمول شد، مساجد آنقدر پر می‌شدند که برای نمازهای جماعت و جمعه جایی نبود و مردم با فاصله کیلومتری از دانشگاه

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تهران برای نماز جمعه می‌ایستادند و بر این پایه نیز هزینه زیادی برای ساختن مصلاهی تهران پرداخته شد. درصد قابل توجهی از جوانان بجای دانشگاه به حوزه روی آوردند تا جایی که در آنجا هم کنکور برگزار می‌شد. تغییر به قدری عمیق بود که مردم کوشش می‌کردند نام‌های غیرمذهبی خود را تغییر دهند... تحقیق ما نشان می‌دهد که در این زمان به طور معنی‌دار برای بیشتر نوزادان نام‌های مذهبی انتخاب می‌شد... گروه مرجع مردم نیز طی این جریان و همچنین با اشاراتی از سوی رهبران تغییر یافت. استفاده از کلمات خارجی کم شد، خارجی‌ها از نظر مردم کم اهمیت شدند و اعتماد به نفس مردم و جوانان و ابداع‌گران به توانائی‌های خود و کشورشان افزایش یافت و این نکته که یکی از پایه‌های اساسی رهیدن از وابستگی را تشکیل می‌دهد، برای کشورهای غربی گران تمام می‌شد (رفیع‌پور، ۱۳۸۴، ۱۳۰-۱۲۹).

۴-۲) استقلال سیاسی: برای رسیدن به استقلال و ثبات سیاسی وجود شرایطی ضرورت دارد. سه مولفه سرزمین، جمعیت و حاکمیت از اساسی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده یک کشور هستند که در صورت نبود هر یک از این مولفه‌ها کشوری موجودیت نخواهد داشت تا بتواند ادعای حکومت سیاسی را سر دهد. مکانی لازم است که مردم در آن موقعیت جغرافیایی حضور داشته باشند، جمعیتی لازم است تا اجتماعی بزرگ را بتوان تشکیل داد و خواسته‌های آنان را تأمین نمود و لزوم حکومت بیش از هر چیز ضرورت دارد تا بتواند جمعیت و خواسته‌های آنان را تأمین و از سرزمین صیانت و پاسداری نماید. استقرار و حیات حکومت مستلزم ثبات سیاسی و مشروعیت و مقبولیت مردمی است. به تعبیری دیگر، استقلال سیاسی موجب حفظ حیات سیاسی حکومت می‌گردد. برای رسیدن به چنین رویه‌ای می‌بایست یک سری از اصول و قواعد لازم‌الاجرا و تعریف شده‌ای را اعمال کرد (زادفلاح، ۱۳۹۰) که اهم آن عبارت است از «حقوق متقابل مردم و حکومت»، «اخلاق و آئین کشورداری»، «انتخابات آزاد و مشارکت مردمی»، «قاطعیت و اقتدار در سیاست خارجی»، «ملایمت در سیاست داخلی».

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

۳-۴) **استقلال اقتصادی:** استقلال در حوزه‌ی اقتصاد از یک طرف وجوه پنهان-تری از دو حوزه‌ی دیگر دارد و از طرفی تا حد زیادی به مباحث کارشناسی در این زمینه مربوط می‌شود. در این بخش تلاش می‌شود تا استقلال اقتصادی را با یکی از روش‌های به نسبت معروف آن یعنی «استراتژی جایگزینی واردات» سنجید. البته در ابتدا نیاز به یک مقدمه‌ی کوتاه دارد.

کارشناسان «رهیافت وابستگی کلاسیک» معتقدند با تداوم رابطه‌ی ساختاری بین مرکز و پیرامون، امکان‌رهایی از توسعه نیافتگی در عمل محال است. در مقابل «رهیافت تجدیدنظرطلب» معتقد است که در صورت اتحاد سه گانه‌ی بین سرمایه‌داری بین‌المللی، دولت اقتدارگرا و سرمایه‌داری داخلی توسعه امکان‌پذیر است. در سمتی دیگر «مکتب نظام جهانی» هم معتقد است که با درونی‌کردن فعالانه‌ی قواعد بازی اقتصاد بین‌المللی می‌توان در بلندمدت منزلت خود در سطح بین‌المللی را تغییر داد (ساعی، ۱۳۷۶: ۱۴۲-۱۴۵). بدین ترتیب وجوه عکس‌العمل به ساختار وابستگی را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد: (۱) افراطی: هم‌چون نمونه کوبا و کره شمالی (۲) تعامل منفعلانه: هم‌چون برخی کشورها در امریکای لاتین و (۳) تعامل فعالانه: هم‌چون نمونه کشورهای آسیای جنوب شرقی.

در این میان سؤال اصلی این است: علت رشد صنعتی بعضی از کشورهای توسعه نیافته در مقابل تعمیق توسعه نیافتگی بعضی دیگر از کشورها چیست؟ سؤال دیگری که در کنار سؤال قبلی مطرح می‌شود این است که کدام استراتژی می‌تواند کشورهای توسعه نیافته را از توسعه نیافتگی نجات دهد: «توسعه‌ی صادرات یا جایگزینی واردات»، کدام یک پاسخ این سوال است.

سیاست جایگزینی واردات: این سیاست بر تولید برای مصرف در بازار داخلی به جای تولید برای توسعه‌ی صادرات تاکید می‌کند. در این سیاست صنایع نوپا از طریق نرخ بالای تعرفه حمایت می‌شوند. استدلال اصلی در توجیه این سیاست این است که چون تقاضای کشور برای واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی کاهش پیدا می‌کند، کشور با صدور اجازه برای واردات کالاهای سرمایه‌ای فرایند صنعتی-

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

شدن را سرعت می‌بخشد. در حالی که تجربه نشان داد کاهش شدید نیاز به مواد خام و اختلال در عرضه‌ی مواد مصرفی از طرف کشورهای صنعتی وضعیت این اقتصادها را بحرانی‌تر کرد.

سایر معایب: رشد ناشی از این سیاست پس از مدتی متوقف می‌شود و پس از آن فرآیند تعدیل ساختاری با مشکلات عمیق‌تری مواجه می‌شود. از جمله اینکه به لحاظ کاهش رشد سایر بخش‌ها عدم تعادل ساختاری را افزایش می‌دهد. از طرفی برای اینکه نرخ بالای رشد در میان‌مدت و بلندمدت حفظ شود ضروری است که جایگزینی واردات با شدت بیشتری انجام شود. به همین دلیل تولید از کالاهای ساده به سمت کالاهای پیچیده می‌رود. اما هزینه‌ی تولید این کالاهای پیچیده برای بازارهای محدود داخلی بسیار است و چون تولید داخلی از عدم کارایی فراوانی نسبت به تولیدات خارجی دارد، در مرحله‌ای سرانجام سیاست جایگزینی واردات که موتور رشد است متوقف می‌شود. حمایت تعرفه‌ای نیز نرخ ارز را بالاتر از حد واقعی نگه می‌دارد. اما این عمل اثری منفی بر صادرات و دریافت‌های ارزی می‌گذارد. در چنین شرایطی اقتصاد نمی‌تواند به سادگی درآمد صادراتی‌اش را افزایش دهد در حالی که واردات ضروری را نیز نمی‌تواند کاهش دهد. بنابراین عدم انعطاف ساختاری افزایش یافته و هزینه‌ی تعدیل ساختاری نیز بسیار افزایش می‌یابد. در نهایت اینکه بنگاه‌های اقتصادی و صناعی که در چنین شرایطی و با توجه به تعرفه‌های حمایتی به وجود آمده‌اند انگیزه‌ای برای به کارگیری روش‌های برتر و کاهش هزینه‌ها ندارند و پیشرفت نمی‌کنند (ساعی، ۱۳۹۱: ۳۸-۴۰).

استراتژی توسعه صادرات و ساختار توسعه نیافتگی: روند بدین ترتیب است که کشور تولید مواد خام را کنار گذاشته و تولید صنعتی با هدف دستیابی به بازار خارج را آغاز می‌کند. غالباً کالاهایی برای تولید انتخاب می‌شوند که از عوامل مزیت نسبی تولید بهره‌مند هستند. در کشورهای توسعه‌نیافته عامل مزیت نسبی «کارگر غیرماهر» است. موفقیت این سیاست منوط به آن نوع سیاست گمرکی است که

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تبعیض منفی برای صادرات ایجاد نکند. همچنین در این سیاست حفظ واقعی نرخ ارز از اهمیت بالایی برخوردار است.

نتیجه اینکه تماس‌های اقتصادی سرمایه‌داری بالغ با کشورهای پیرامونی باعث توسعه‌یافتگی نسبی یک گروه و توسعه نیافتگی گروه دیگر شده است. کشورهای توسعه نیافته برای کاهش این فاصله صنعتی شدن سریع را هدف قرار داده‌اند. سیاست جایگزینی واردات امکان صنعتی‌شدن محدود را فراهم می‌آورد اما غالباً با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌شوند که آنها را در نهایت با کسری تراز پرداخت‌های خارجی دست به گریبان می‌کند. سیاست‌های ضد تورمی به بیکاری می‌انجامد و کنترل ارز نیز بازار سیاه به وجود می‌آورد. سیاست توسعه‌ی صادرات می‌تواند برای تعدیل ساختاری مناسب باشد. مثال آن کشورهای شرق آسیا است (ساعی، ۱۳۹۱: ۵۹-۶۲).

۵) دلایل نقض استقلال ایران در تاریخ معاصر

پس از افول دوران لشگرکشی‌ها و توسعه‌ی امپراطوری‌های پیشامدرن که تنها در جهت نشان دادن قدرت حاکم بود، نقض استقلال کشورها در دوران مدرن در راستای منافع کشورهای نقض کننده بوده است. یعنی از دوران استعمار کشورهای استعماری در جهت منافع اقتصادی خویش به نقض استقلال دیگر کشورها پرداختند. به نظر می‌رسد که نقض استقلال ایران در دوران معاصر نیز در همین راستا بوده است. در اینجا تلاش بر این است نشان داده شود که اگر قدرت‌های جهانی تلاش می‌کنند تا در کشوری نفوذ کنند و آن را تحت سلطه‌ی خویش درآورند دلیل ساده‌ی این امر منافع مادی و اقتصادی آنهاست و نباید تلاش آنها را به امور ماورایی نسبت داد یا در حوزه‌های دیگری مثل مذهب یا تئوری‌های توطئه جستجو کرد. موقعیت استراتژیک ایران، منابع زیرزمینی و سایر ویژگی‌های این کشور شرایطی را به وجود آورده که قدرت‌های بزرگ همیشه در راستای آن خود کردن آن بوده‌اند. در ذیل به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

کشور ایران با قرار گرفتن در جنوب غربی آسیا، دارای یک موقعیت ممتاز ژئواستراتژیک برای تأمین انرژی دیگر کشورها، به طور شاخصی در کانون توجه جهانی قرار گرفته و نقش ویژه‌ای به ظرفیت موجود ایران جهت تأمین انرژی کشورهای مختلف بخشیده است (شیخ‌عطار، ۱۳۸۴، ۱۱). به دلیل برخورداری از پتانسیل‌هایی از قبیل موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، منابع فراوان گاز و نزدیکی جغرافیایی به دریاهای آزاد و تنگه استراتژیک هرمز، دارای یک جایگاه انحصاری در تأمین نفت و گاز کشورهای آسیایی در مقایسه با دیگر کشورهای رقیب یعنی ترکمنستان، قطر و روسیه است (پیشین، ۱۲).

از سویی دیگر ایران با توجه به موقعیت ترانزیتی خود که ناشی از برتری‌های ژئوپلیتکی، یعنی قرارگیری در چهارراه بین‌المللی، حائز اهمیت است. این چهارراه آفریقا را به آسیا و آسیا را به اروپا متصل و افزون بر این ایران با آب‌های آزاد مرتبط است و دارای موقعیتی است که دسترسی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به آب‌های آزاد میسر می‌کند و قادر است در مقولاتی مانند سوآپ یا انتقال نفت و گاز، سوخت تولیدکنندگان آسیای مرکزی برای کشورهای نظیر افغانستان و پاکستان نقش مهمی را به عهده بگیرد (پیشین، ۱۵).

علاوه بر این مطالب باید گفت موقعیت خاص ژئوپلیتکی ایران به گونه‌ای است که با عبور لوله‌های نفت و گاز از خاک ایران، منجر به گسترده‌تر شدن همکاری‌های ژئواکونومیک این کشور با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز باشد که همکاری‌های بخش انرژی، همکاری‌های اقتصادی را به دنبال دارد که نهایتاً منجر به یکپارچگی ژئوپلیتکی ایران با حوزه خزر خواهد شد. همچنین تأکید بر همکاری‌های انرژی، اقتصادی و هماهنگی‌های وسیع سیاسی می‌تواند زمینه‌ساز اعتمادسازی‌های عمیق در منطقه گردد (سریع‌القلم، ۱۳۷۸، ۳۵).

همانگونه که اشاره شد مجموع شرایطی که ذکر شد و برخی شرایط تصادفی تاریخی دیگر (مثل جنگ سرد و همسایگی ایران با یکی از دو ابرقدرت جهانی) باعث شده است تا قدرت‌های جهانی همواره چشم طمع به ایران داشته باشند. این

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

مطالب از آن جهت ذکر شد که گاهی در برخی تفاسیر دلایل علاقه‌ی قدرت‌های جهانی به نفوذ در ایران در حوزه‌های دیگری غیر از حوزه‌ی یاد شده جستجو می‌شود. باید در نظر داشت تا زمانی که ترسیم دقیق و روشنی از اهداف کشورهای خارجی نداشته باشیم نمی‌توانیم در مناسبات خود با آنها به حفظ منافع خویش بپردازیم.

۶) استقلال خواهی ایرانیان در تاریخ معاصر

در این بخش اشاراتی به پیگیری آرمان استقلال در تاریخ معاصر ایران می‌شود تا یادآوری گردد که این آرمان به خصوص در تاریخ معاصر همواره یکی از ارکان اصلی مطالبات ایرانی‌ها بوده است.

آنچنان که در دوره‌ی تاریخ معاصر ایران مروجین گفتمان مشروطه در صحبت‌های خود به این موضوع اشاره کرده و سعی در برجسته‌سازی آن نیز دارند؛ به گونه‌ای که مشروطه‌خواهان بارها به این نکته پرداخته‌اند (بنگرید به آجودانی، ۱۳۸۷: ۵۲۷-۵۲۹) و (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱۷-۱۹). در واقع می‌توان بیان داشت که در ابتدای ایام مظفرالدین شاه، مدافعین گفتمان مشروطه سعی کردند در ساختار معنایی گفتمان خویش مفهوم «وطن» را نیز اضافه نمایند. البته افزوده شدن وطن و طرد بیگانگان در این عصر به نوعی گرایش ناسیونالیسم ایرانی بدل شد.

بدین ترتیب هویت «ایرانی» یا دوستدار وطن در تقابل و تخاصم با «بیگانگان» قرار گرفت و از آنجا که گفتمان بدون دشمن و غیر بی‌هویت است دشمن «بیگانگان» و منظور از بیگانگان عمدتاً دولت‌های دو کشور انگلیس و روسیه و اتباع آنها در ایران بودند که در این زمان حاکمیت بیش از پیش به آنها وابسته بود. روزنامه‌ها در این دوران مملو از مطالبی در ستایش وطن و واژه‌هایی چون «ابنای وطن» «هموطنان» «وطن مقدس» و یا اشعاری در این باب‌اند، به عنوان مثال در یکی از سرمقاله‌های روزنامه چهره‌نما می‌خوانیم: «بلی ماها از عدم علم و معرفت و کثرت بی‌مولاتی [مبالاتی] و غفلت به قسمتی از آداب‌دانی و تکالیف معینه وطن‌شناسی بیگانه شده- ایم و در وظایف مقرر مفروضه وطن‌پرستی بی‌بهره‌ایم که ذره در پی شئون محبت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

وطن‌گرایی که هر نوع فداکاری و جان‌نثاری را در راه حفظ استقلالیت و ترقیات او روا نیستیم و نمی‌دانیم معنی وطن و محبت وطن چیست و توصیه پیغمبر اکرم را که می‌فرماید: «حب‌الوطن من‌الایمان بطاق نسیان و فراموشی زده‌ایم و دست‌آویز خود این شهر را کرده این که این وطن مصر و عراق و شام نیست این وطن شهریست که نام نیست» (چهرنما، ۱۳۲۲ ه. ق، شماره ۱۳: ۳).

از دیگر مشروطه‌خواهان در این دوره طالبوف است. وی در کتابش «ژاپون» را مثالی در خصوص استقلال، قانون و پیشرفت می‌آورد و می‌گوید: «تا قانون نداریم ملت و دولت و وطن و استقلال در معنی خود نخواهید داشت» (طالبوف، ۱۳۵۷: ۲۲۴ به نقل از حائری، ۱۳۶۰: ۴۸).

یکی دیگر از مبارزان سیاسی - اجتماعی در این دوره محقق نائینی است که در دفاع از استقلال وطن و مردم، بارها تأکید نموده (نائینی، ۱۳۷۸: ۱۲۱) و در استدلال خود به ضرورت تشکیل دولت ملی در جوامع اسلامی می‌نویسد: «بالضروره معلوم است که حفظ شرف و استقلال و قومیت هر قومی هم چه آن‌که راجع به امتیازات دینی باشد یا وطنیه منوط به قیام امارت‌شان است به نوع خودشان، والا جهات امتیازیه و ناموس اعظم دین و مذهب و شرف و استقلال وطن و قومیت‌شان به کلی نیست و نابود خواهد بود» (نائینی، ۱۳۷۸: ۱۳۰).

آنچنان که مشاهده می‌شود در دوره مشروطیت (تمامی جریانات از جمله مشروطه‌خواهان و مشروعه‌خواهان) اقبال و خواست‌نخبگان و غالب مردم بر مفاهیمی چون قانون، عدالت و استقلال بنا نهاده شده است.

بررسی جراید در سال‌های ۱۳۰۰ - ۱۲۸۹ در مقایسه با جراید سال‌های مشروطیت از یک تغییر نامرئی اما مهم حکایت دارد. ترغیب احساسات وطن‌پرستانه و حملات سخت به استعمار غربی در جراید پدیدار می‌شوند، اما کمتر ستونی از روزنامه‌ها به بحث درباره‌ی محاسن آزادی‌خواهی و دموکراسی می‌پردازد. بلکه بیشتر صفحات روزنامه‌ها به لزوم ایجاد نظم و قانون و ساختن ایرانی نوین اختصاص می‌یابد (کاتم، ۱۳۷۱: ۳۶۳).

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

به نظر می‌رسد ناامیدی مردم از آزادی‌خواهی آنها را از یک طرف به مطالبه‌ی امنیت سوق داد و از طرفی دیگر یک دولت مقتدر و مستقل از قدرتهای سیاسی خارجی را به آرمان اول سیاسی ایرانی‌ها تبدیل کرد. دولت رضاشاه دست کم در ظاهر این نشانی‌ها را داشت. در این دوران مفاهیمی همچون وحدت ملی نیز در سایه استقلال تعریف می‌شود. «محمود افشار» وحدت ملی را اینگونه تعریف می‌کند: مقصود ما از وحدت ملی ایران، وحدت سیاسی، اجتماعی و اخلاقی مردمی است که در حدود امروز ایران اقامت دارند. این بیان شامل دو مفهوم دیگر است که عبارت از حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران می‌باشد (افشار، ۱۳۰۴، ۵).

همانگونه که در مقدمه نیز اشاره شد به نظر می‌رسد از این دوران تاریخی به بعد مفهوم استقلال به یکی از مطالبات همیشگی سیاسی ایرانیان از یک طرف و به بخشی از هویت جمعی آنها از طرف دیگر تبدیل شد. دوران محمدرضاشاه به خصوص پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شرایطی را به وجود آورد که اعتماد بین دولت و مردم به پایین‌ترین حد خود رسید. چرا که مردم دولت را یک وابسته تمام عیار به یک دولت خارجی (امریکا) می‌دانستند. در این مورد کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته شده است که اشاره به آنها تنها سخن را به درازا می‌کشاند.

در نهایت در انقلاب اسلامی استقلال به یکی از شعارهای سه‌گانه‌ی انقلابیون (در کنار آزادی و جمهوری اسلامی) تبدیل شد. چنانچه اهمیت این بحث را چه به لحاظ فردی و چه به لحاظ اجتماعی در سخنان رهبر انقلاب فراوان می‌توان مشاهده کرد.

«من اعتقاد این است که اگر انسان با هر زحمت و مرارتی زندگی کند و زندگی‌اش مال خودش باشد، در زندگی مستقل باشد و نان و جو خودش را بخورد، زندگی که مال خود انسان باشد، ارزشش صدها برابر این است که انسان در آپارتمان‌های عظیم بنشیند و دستش پیش دیگران دراز باشد و برای دیگران سلام بدهد. این یک مطلبی است که هر انسان شرافتمندی باید به آن توجه داشته باشد.» (صحیفه امام، جلد ۱۴، ۴۳۷).

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

امام در ۲۹ اسفند سال ۱۳۴۱ فرمودند: «تا من هستم نمی گذارم که دستگاه جبار استقلال این ملت را بر باد دهد. ملت اسلام نیز بیدار و نسبت به دین و آیین خود حساس و پایبندند... و اجازه نمی دهند که جباران و ستمکاران هر چه می خواهند بر سر اسلام بیاورند» (صحیفه امام، جلد اول، ۱۶۲).

امام خمینی در آبان سال ۱۳۵۷ که آخرین مرحله پیروزمند انقلاب اسلامی در حال اوج گیری بود بار دیگر اعلام کردند که ملت مسلمان ایران حرف تازه ای ندارد و همان چیزی را می خواهد و همان چیزی را می گوید که قبلاً (یعنی سال ۱۳۴۱) خواسته و گفته است. امام خمینی در این باره فرمودند: «ما حرف تازه ای هم نداریم، حرف ما همیشه یک مطلب بوده است. از اولی که این نهضت اسلامی قریب پانزده سال یا بیشتر از پانزده سال هست که ظهور پیدا کرد تا حالا، ... حرف ما آن چیزی که از اول صحبتش را داریم و دنبالش را گرفته ایم این است که ما برای ملت ایران دو تا مطالب می خواهیم و این دو تا مطلب هم، دو تا مطلب مشروعی است که همه جوامع بشری که منحرف نشده اند از انسانیت، قبول دارند: یکی اینکه یک ملت سی میلیونی، سی و پنج میلیونی در اختناق است... ما می خواهیم آزاد باشیم... مطلب دوم ملت ایران که ما داریم عرض می کنیم این است که ما می خواهیم مستقل باشیم... ما اقتصادمان به هم خورده است به واسطه اینکه اجانب بر آن تسلط دارند، نفت ما را دارند می برند و در ازای آن برای خودشان پایگاه درست می کنند در ایران...» (صحیفه امام، جلد ۴، ۱۹۵-۱۹۴).

امام خمینی در سال های آخر حیاتشان نیز فرمود: «مردم شریف ایران و مسلمانان و آزادیخواهان تمامی جهان باید بدانند که اگر بخواهند بدون گرایش به چپ و راست و مستقل از هر قدرت و ابرقدرتی روی پای خود بایستند، باید بهای بسیار گران استقلال و آزادی را بپردازند» (صحیفه امام، جلد ۲۰، ۳۱۴-۳۱۱).

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

۷) سخن آخر به عنوان نتیجه

ما در این مقاله پس از ارائه‌ی مباحث نظری لازم در مورد مفهوم استقلال به وجوه مختلف آن در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پرداختیم و سپس با نگاهی به تاریخ معاصر ایران به اهمیت این مفهوم و تلاش‌های انجام گرفته برای آن پرداختیم. آنچه به عنوان فرضیه‌ی این مقاله مطرح شد عبارت بود از اینکه چالش اصلی برای حصول استقلال در ایران در حوزه‌ی اقتصاد است. اما مراد این نیست که برای حصول استقلال در ایران باید به استقلال در حوزه‌ی اقتصادی رسید. بلکه استقلال در حوزه‌ی اقتصاد از آن جهت چالش است که برخی در سطوح مختلف جامعه‌ی ایران فکر می‌کنند که استقلال اقتصادی لزوم تضمین استقلال کشور است، در حالی که چنین نیست. این درست است که از آغاز جنگ‌های ایران و روس با شکست ایران و جدا شدن بخش‌هایی از خاک کشور اولین اصل حاکمیتی که زیر سؤال رفت استقلال اقتصادی بود که نمود آن در قراردادهای خفت‌بار گمرکی بین ایران و روسیه بود. اما با تغییراتی که به تدریج در نظام بین‌الملل اقتصادی به وجود آمد مفهوم استقلال اقتصادی تا حدود زیادی زیر سؤال رفت. به این معنا که تعاملات اقتصادی با کشورهای مختلف ربط مستقیمی به استقلال ندارد. حتی دولت محمدرضاشاه همانگونه که اشاره شد با اینکه به لحاظ سیاسی تحت نفوذ کامل آمریکا بود و به لحاظ فرهنگی اشاعه‌ی ارزش‌های غربی در جامعه‌ی ایران را دنبال می‌کرد اما در حوزه‌ی اقتصادی با کشورهای مختلف دنیا حتی شوروی (که دشمن آمریکا محسوب می‌شد) روابط اقتصادی گسترده‌ای داشت. نکته اینجاست که پیگیری استقلال اقتصادی به هر قیمت می‌تواند چنان نتایج فاجعه‌باری داشته باشد که حتی به از دست رفتن استقلال سیاسی بینجامد. در بخش وجه اقتصادی استقلال تلاش شد تا وجهی از این ماجرا نشان داده شود. البته که این به معنای بازکردن بی‌محابای درهای کشور به تولیدات خارجی نیست (آنچه که هم اکنون در زمینه‌ی تولیدات چینی در جریان است). بلکه استراتژی توسعه‌ی صادرات در زمینه‌های مستعد است که در بخش وجه اقتصادی استقلال به آن اشاره شد. از

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

طرفی آنچه که به عنوان جهانی شدن نامیده می‌شود (فارغ از هر تفسیری که از آن داشته باشیم) چنان هم‌هی وجوه اقتصاد جهان را بلعیده که پیگیری استقلال اقتصادی حتی در سطح نظری نیز ناممکن به نظر می‌رسد.

آنچنان که حتی واژه جهانی شدن نخستین بار برای طرح تحولاتی که در عرصه اقتصادی پدید آمد، به کار گرفته شد (تهرانیان، ۱۳۸۰: ۲۶)، (همچنین بنگرید به گل محمدی، ۱۳۸۶، ۶۱) و پیش از هر چیز، مفهوم و جنبه اقتصادی آن غلبه دارد، تا ابعاد سیاسی، علمی، فرهنگی و اجتماعی آن (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۴۰). به این معنی که اقتصاد از محلی برای رشد فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی محلی به مکانی برای رشد جریان‌های اقتصادی فراملیتی تبدیل شده و شاهد ظهور «الگوهای جدید برابری و نابرابری»، «اقتصاد اطلاعاتی» و «الگوهای جدید اقتصادی برد - برد به جای برد - باخت» (احمدوند، ۱۳۸۵: ۸۳) هستیم.

پیش‌بینی‌های نادرست دولت‌های نهم و دهم در همین زمینه که امکان استقلال اقتصادی وجود دارد به تحریم‌های اقتصادی ایران و نتایج بسیار منفی آن منجر شد. همچنین ما در این مقاله تلاش کردیم تا نشان دهیم که استقلال سیاسی و فرهنگی در تاریخ معاصر ایران همواره اهمیت به سزایی داشته است. در واقع از دلایل اصلی انقلاب ۱۳۵۷ را می‌توان از دست رفتن استقلال در این حوزه‌ها دانست. به نظر می‌رسد وجه سیاسی «استقلال» با چالشی مواجه نباشد. چرا که از یک طرف توانایی نظامی ایران امکان تعرض به آن را نمی‌دهد و از طرفی تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که جریان‌ات سیاسی در ایران (به جز موارد استثنایی مثل حزب توده) بر سر حفظ استقلال سیاسی نوعی از اجماع را دارند و اختلاف‌ها بیشتر در حوزه روش آن است. ما در این نوشتار چالش اصلی در حفظ استقلال را در حوزه‌ی اقتصادی شناختیم (همانگونه که اشاره شد چالش اصلی پیگیری استقلال در حوزه‌ی اقتصاد است). اما این بدین معنا نیست که در حوزه‌ی دیگر یعنی فرهنگ با چالش روبرو نباشیم. جهانی شدن در عرصه‌ی فرهنگ نیز حفظ استقلال در این زمینه را هم با چالش‌های عدیده‌ای همراه ساخته است. همچنین چگونگی برخورد با پدیده‌هایی

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

همچون ماهواره و شبکه‌های اجتماعی نیازمند بررسی‌های عمیق است. در این مقاله تلاش شد تا نشان داده شود که تاریخ معاصر ایران شواهد فراوانی دارد که برای مردم ایران استقلال در حوزه‌های سیاست و فرهنگ از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به همین دلیل به نظر می‌رسد (اگر برخوردهای نسنجیده با پدیده‌های نوظهور یاد شده مثل شبکه‌های اجتماعی در این زمینه صورت نگیرد) استقلال فرهنگی و سیاسی به یکی از عناصر اصلی هویت ایرانی تبدیل شده است. ما در بخش نظری این مقاله به عوامل مقوم استقلال اشاره کردیم. حفظ استقلال فرهنگی همواره باید در شاخص‌های ساختار اعتقادی و فرهنگی و نظام آموزشی پیگیری شود. چنانچه تقریباً همه‌ی کشورها این امر را پیگیری می‌کنند. اما قوام استقلال فرهنگی با بارور ساختن این شاخص‌ها یک بحث است و معارضه‌ی نسنجیده با پدیده‌های نوظهور و مفهوم جهانی شدن فرهنگ بحثی دیگر.

منابع

کتب

امینی، ابراهیم (۱۳۶۷)، سیاست خارجی حکومت اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۷). مشروطه ایرانی. نشر اختران.

آقابخشی، علی (۱۳۸۴)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی.

حائری، عبدالهادی (۱۳۶۰). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق. تهران: امیرکبیر.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴)، توسعه و تضاد، تهران: انتشارات شرکت سهام انتشار.

زادفلاح، علیرضا (۱۳۹۰)، استقلال سیاسی از منظر نهج‌البلاغه، تهران: همایش ملی ارزش‌ها از منظر نهج‌البلاغه.

زرگری‌نژاد، غلام‌حسین (۱۳۷۴). رسائل مشروطیت؛ هجده رساله و لایحه درباره مشروطیت. کتاب اول، انتشارات کویر.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ساعی، احمد (۱۳۹۱) توسعه در مکاتب متعارض. تهران: نشر قومس.
شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۴)، دیپلماسی انرژی و امنیت ملی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

کاتم، ریچارد (۱۳۷۱) ناسیونالیسم ایرانی. تهران: تدین.
گل محمدی، احمد (۱۳۸۶) فرهنگ در عصر جهانی شدن. در مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی شدن: چالش ها و فرصت ها. تهران: نشر روزنه.
مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۸)، صحیفه امام، جلد ۲۲-۱.
منصوری، جواد (۱۳۷۴)، فرهنگ استقلال، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

نائینی، شیخ محمدحسین (۱۳۷۸)، تنبیه الامه و تنزیه المله، مقدمه و توضیح محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۷۵)، دستاوردهای انقلاب اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مقالات

احمدوند، شجاع (۱۳۸۵) جهانی شدن و تکثر فرهنگی. پژوهش حقوق و سیاست. بهار و تابستان. شماره ۲۰.

افشار، محمود (۱۳۰۴) آغازنامه. مجله آینده، سال اول، شماره اول.
برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۸، بهار و تابستان.

تقی زاده انصاری، محمد (۱۳۷۹)، استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی، مجله حقوق و علوم سیاسی، پائیز، شماره ۴۹.

تهرانیان، مجید (۱۳۸۰)، جهانی شدن، چالش ها و ناامنی ها، به اهتمام اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

رنجبر، مقصود (۱۳۸۴)، چالش های استقلال ما از دیدگاه نظریه های وابستگی و جهانی شدن، راهبرد، پاییز، شماره ۳۷.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ساعی، احمد (۱۳۷۶) ساختار توسعه نیافتگی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران دوره ۳۸، پاییز.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۸)، اثرات فروپاشی شوروی بر جهان سوم، مجله سیاست خارجی، شماره ۴، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی.

طاهری، هادی (۱۳۸۹)، استقلال فرهنگی؛ رهیافت مقابله با تهدیدات نرم، حصون، فرورین- اردیبهشت، شماره ۳۳.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹) خلیج فارس، کشورها و مرزها. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۲ ه. ق)، شماره ۱۳.